

مطالعه عوامل موثر بر احساس ناامنی اجتماعی نسبت به کالاهای اساسی معیشتی (مورد مطالعه:
شهر اردبیل، 1401)

چکیده

بنیادی‌ترین نیاز انسان‌ها، دسترسی بدون دغدغه به خوراک، پوشاک و مسکن است. تأمین و دسترسی به غذا و کالاهای اساسی در هرم حقوقی انسان‌ها در تداوم حیات جمعی امری مهم و الزامی است. این پژوهش بر آن است که علت احساس نسبت به کالاهای اساسی را در بین شهروندان شهر اردبیل بررسی کند. برای پاسخ به پرسش اصلی، از روش sample power تعداد 270 نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین و پرسشنامه به‌صورت تصادفی بین شهروندان توزیع شده است. نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیرهای آنومی اخلاقی، بازدارندگی رسمی، اعتماد اجتماعی، فضای کسب و کار نامساعد، فرصت‌طلبی و حافظه جمعی تاریخی با احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج کلی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که آنومی اخلاقی (0.168)، بازدارندگی رسمی (0.291)، بی‌تفاوتی اجتماعی (0.329)، اعتماد اجتماعی (-0.468)، فضای کسب و کار نامساعد (-0.246)، فرصت‌طلبی (0.187) و حافظه جمعی-تاریخی (0.238) روی ناامنی نسبت به کالاهای اساسی تأثیر داشته است. کلیدواژه‌ها: ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، فرصت‌طلبی، فضای کسب و کار، اعتماد اجتماعی

مقدمه و بیان مسئله:

امنیت، پدیده روانشناختی-اجتماعی است و ناشی از تجربه مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است (زمانی و همکاران، 1399: 367). امنیت، حیاتی‌ترین نیاز بشری و در متون الهی و اسلامی، عظیم‌ترین نعمت الهی (خوزین، 1398: 36) و مهم‌ترین گمشده انسان امروزی است. زندگی سعادت‌مند بشر در گروه میزان امنیت است (نوبری و اسماعیلی، 1398: 244). غذا از جمله نیازهای بنیادین بشر است که تأمین آن در مقوله امنیت غذایی نهفته است. شواهد نشان می‌دهد که دستیابی نامطمئن به مواد غذایی هنوز یکی از مشکلات مهم جهانی است (نجفیان زاده و همکاران، 1393: 35). ناامنی نسبت به کالاهای اساسی به مفهوم دسترسی محدود یا نامطمئن به غذای کافی و سالم، یا توانایی محدود برای دستیابی به غذا از راه‌های قابل قبول اجتماعی است (حججی و همکاران، 1394: 88). ناامنی نسبت به کالاهای اساسی از مقوله‌هایی است که تأثیر جدی بر وضعیت تغذیه افراد جامعه بجای می‌گذارد (ستوده و همکاران، 1394: 53). بنا بر تعریف سازمان ملل، امنیت غذایی دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات برای داشتن یک جسم سالم است. طبق این تعریف، موجود بودن غذا، دسترسی به غذا و پایداری در دریافت غذا 3 عنصر اصلی در امنیت غذایی است. جامعه‌شناسی غذا، واقعیتی تازه در مطالعات علم اجتماعی است که به ساختار فرهنگی و اجتماعی از جمله عادت، ذائقه و تولید و مصرف می‌پردازد (علیزاده اقدم، 1389: 288). امنیت غذایی یکی از فاکتورهای اصلی تأمین‌کننده سلامت فردی و اجتماعی است و ضامن توسعه و پیشرفت جامعه محسوب می‌شود و از چنان اهمیتی برخوردار است که بانک جهانی و فائو هدف توسعه هزاره سوم را امنیت غذایی معرفی نموده است (کوهی، 1393: 97). مازلو از جمله اندیشمندانی است که در زمینه تشخیص و دسته‌بندی نیازهای انسانی، صاحب نظر است. وی در قالب نظریه سلسله‌مراتب نیازها مدعی است که نیازهای انسان به پنج دسته: نیازهای فیزیولوژیکی (غذا، آب و میل جنسی)، نیاز به امنیت، تعلق پذیری و محبت (دوست داشتن و دوست داشته شدن)، احترام و خود شکوفایی است (سلطانی و همکاران، 1395: 145). برآورده شدن نیازهای پایه‌ای یکی از گام‌های مهم در رشد و شکوفایی اجتماعی است. ابهام و ناامنی در پایه اولیه این هرم، باعث احساس ناامنی اجتماعی و رواج آنومی و فردگرایی می‌گردد. گرایش انسان به رفع نیازها و تحقق منافع و مصالح شخصی بدون لحاظ کردن دیگران به‌عنوان خودمداری و تکروی یا خودمحوری است. فردگرایی خودخواهانه نوعی از فردگرایی است که در آن نفع شخصی اولویت تام داشته و افراد صرفاً به دنبال تأمین منافع خویش هستند (قادری و القونه، 1396: 2). جامعه ایرانی، دارای سرشار از منابع اقتصادی (گاز، معدن، نفت) و سایر منابعی است که توان مدیریت امنیت اقتصادی و غذایی شهروندان را دارد. وجود تورم‌های انتظاری، احتکار کالا و گرانی و گران‌فروشی و هراس از کمبود کالاهای اساسی، امری است که به ذهنیت اجتماعی-فرهنگی شهروندان بستگی دارد، به‌جای تحلیل امر اقتصادی مسئله باید به امر جامعه‌شناختی یعنی داشتن فرهنگ اجتماعی یا ذهنیت اجتماعی توجه کرد. در جامعه ایران، فرهنگ فردگرایی بسیار مهم است. فرهنگ شیوه زندگی در یک جامعه خاص است و بر پایه ارزش‌ها و باورهای مشخصی سامان می‌یابد (آزاد ارمکی، 1393: 21). انسان‌ها برای بقاء خود به دیگران نیاز دارند و بقاء انسان امری طبیعی است که در این امر، با دیگران بودن امکان زندگی را می‌دهد (شارون، 1389: 52 و 53). قانون حاکم بر فردگرایی، اجازه می‌دهد

که آن‌ها به صورت جداگانه سکنی‌گزیده و رفتار نمایند (ریلو و همکاران، 1997). طبق یافته‌های هافستد¹ (1980) بین فردگرایی و وفور منابع یا ثروت و بین جمع‌گرایی و کمیابی منابع یا فقر رابطه معنی‌داری که وجود دارد که این یافته از مطالعه 16 کشور به دست آمده است. در جوامعی که بر سلسله‌مراتب تأکید دارند، حس پایین منزلت اجتماعی در گروه، افراد را به عضویت در جمع سوق می‌دهد که هدف اصلی ارتقا منزلت اجتماعی، تأمین امنیت اجتماعی، اعتماد زایی و حفظ سنت هست (تریان‌دیس، 2009). همیشه طبقات پایین (فقر) در مقایسه با طبقات بالای جامعه (مرفهان) گرایش بیشتری به دفاع از جمع بودگی، خویشاوندان و درون‌گروهی دارند (کوهن، 1997). مردم این جوامع، گرایش بیشتری به همدلی، مسائل عاطفی و داشتن روابط عاطفی باهم دارند (کیتایاما و همکاران، 2007). با توجه به شدت کمیابی منابع، ارزش و هنجارهای جوامع سنتی چه کشاورزی و کوچ‌نشینان، ایجاب می‌کند که توجه به امنیت گروه، نظم و انضباط اجتماعی، احترام به سنت‌ها، هم‌رنگی و نهایت ادب و نزاکت نسبت به سلسله‌مراتب و اعضای گروه را بسیار جدی بگیرند (اسوارتز، 1994). به لحاظ نظری می‌توان محرومیت نسبی را نیز مهم نامانی نسبت به کالاهای اساسی دانست (غفاری و حبیب پور گتایی، 1394؛ پناهی، 1393؛ هایز و همکاران، 2008؛ سیگل، 2008؛ سیگل و سنا، 1384 و حسینی نثار و فیوضات، 1390). احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، بیشتر به مسئله فرهنگ و اجتماع (دیالکتیک بین سطح خرد و سطح کلان) ارتباط دارد. احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی و کمبود کالاها و استفاده از موقعیت با هدف سود شخصی، نوعی کاهش تفکر نوع‌دوستی و رواج رفتار فردگرایی منفی اقتصادی است. رفتاری که اجتماع را با نوعی بی‌انجامی و بی‌هنجاری روبرو می‌سازد. اقتصاد در مطالعات علوم انسانی در تمامی دوره‌های تاریخی نقش تعیین‌کننده در کنش‌های اجتماعی داشته است. به نوعی فقر، محرومیت نسبی و احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، باعث ایجاد باورهایی از نوع تنازع بقا دارویی در اجتماع شده و به رواج بی‌سازمانی اجتماعی کمک می‌رساند. فروش گران‌قیمت کالاها، دلاریزه شدن بازار و اقدام غیراخلاقی نهادهای اقتصادی و بازاری در برهه‌های حساس تاریخی جامعه، ضمن رواج بی‌اعتمادی اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی به اثر گذاشتن بیشتر تحریم‌های جوامع غربی کمک می‌کند. فردگرایی، تک‌روی و نبود روحیه جمعی از زمره ویژگی‌های نامطلوبی است که رشد فزاینده‌ای در جامعه کنونی پیدا کرده است و سبب اختلال در یکپارچگی و هماهنگی میان افراد در حوزه اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی شده است. فردگرایی منفی، ترجیح منافع مادی بر نیازهای جمع به تعبیری تفکر اتمیزاسیون اقتصادی-غذایی، به‌زعم دورکیم، نشان از رواج احساس آنومی اجتماعی یا بی‌هنجاری و کاهش بازدارندگی نظارت‌های اجتماعی است در مواقع بحرانی از جمله تهدیدهای بیرونی، انسجام داخلی، حفظ پیوستگی بین نهادهای سطح خرد و کلان، یکی از مکانیسم‌های مهم در نگهداشت جامعه و ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضاست. به این معنی که آنچه احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی را در طی سال 1400 دامن زد، بیشتر امری درونی بود تا بیرونی و این امر نیازمند واکاوی جامعه‌شناختی است. آنومی اقتصادی و اجتماعی، تحولات بیرونی در کنار وقایع درونی از جمله رسانه‌ای شدن کمبود کالا، احتکار آن سبب شد تا شهروندان در آن برهه دچار بی‌ثباتی روانی و هراس از کمبود اجناس و کالاهای اساسی شوند، گرچه ورود دستگاه‌های دولتی از جمله سازمان تعزیرات، نهاد قضایی و سایر ارگان‌ها با هدف اطمینان بخشی به وجود امنیت غذایی (سبد کالاهای اساسی خانوار) صورت گرفت، اما فضای اجتماعی، گفتمانی سوای این گفتمان رسمی شکل گرفته بود و همچنان شهروندان این احساس را داشتند که جامعه با بحران غذایی روبرو خواهد شد. به این خاطر، صف برخی فروشگاه‌ها مملو از مردمی بود که در جهت ذخیره اقلام موردنیاز و ضروری روزمره خود بودند. به این ترتیب این پژوهش برای بررسی مسئله

1. Hofstede

2. Hayes & et al

احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی شهروندان، سؤال‌های زیر را مطرح کرده است:

- 1- علت احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی در بین شهروندان چیست؟
- 2- کدام متغیر بیش‌ترین نقش و تأثیرگذاری را در احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی شهروندان داشته است؟

مبانی نظری

امنیت غذایی: امنیت غذایی شرایطی است که مردم در فقر یا ترس از گرسنگی و قحطی زندگی نمی‌کنند، فائو، هدف عمده امنیت غذایی را ایجاد اطمینان برای تمامی انسان‌ها در دسترسی فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی اساسی که نیاز دارد، معرفی کرده است. امنیت غذایی زمانی تأمین می‌شود که سرانه سبد غذایی خانواده به‌صورت صحیح انتخاب و تهیه شود و غذای کافی به‌صورت صحیح طبخ گردد تا عناصر و مواد غذایی سالم و صحیح به سلول‌ها و اندام‌های بدن برسد. پس امنیت غذایی بر پایه سه شاخص 1. موجود بودن و دسترسی به مواد غذایی، 2. توان اقتصادی خرید و انتخاب مواد غذایی و 3. تأمین سلامت و پایداری در دریافت مواد غذایی استوار است (باقرزاده آذر و همکاران، 1395: 48). حقوق بهره‌مندی از شرایط رفاهی معیشتی اصول مهم در اعلامیه حقوق بشری است: "هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است. سرچشمه فکری امنیت غذایی به بحران غذا در اوایل دهه 1970 برمی‌گردد. در آغاز این دهه، تولید مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه کاهش یافت. روزبه‌روز بی‌ثباتی و عدم تعادل بین جمعیت و غذا در جهان افزوده شد. به دلیل جلوگیری از عواقب وخیم این بحران کنفرانس جهانی غذا به ابتکار سازمان ملل متحد در سال 1974 تشکیل که در آن به امنیت غذایی در سطح جهان و به تبع آن در سطح کشورها تأکید شد. امنیت غذایی شامل عرضه متمرکز کالاهای اساسی غذایی به‌منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات ناشی از نوسانات تولید و قیمت است (اسفندیاری و میر عباسی، 1394: 161).

پیشینه تجربی پژوهش

- هزارجریبی و علیزاده (1391)، در پژوهشی با عنوان "نقش تعیین‌کننده سرمایه اقتصادی و اجتماعی در ناامنی نسبت به کالاهای اساسی شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان تبریزی)"، انجام داده‌اند. تغذیه لازم، کافی و مناسب یکی از عوامل مهم سلامت جسم و روان افراد و سرمنشأ رفاه فردی، امنیت غذایی، فرد است. لذا ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، امروزه اهمیت خاصی دارد. به‌طوری‌که یکی از شاخص‌های توسعه جوامع تبدیل شده است. نمونه آماری تحقیق حاضر 385 نفر از شهروندان تبریزی است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین ناامنی نسبت به کالاهای اساسی و ابعاد حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد، در حالی که بین اعتماد اجتماعی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه اقتصادی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. به‌طوری‌که بین دسترسی به غذا و کفایت غذایی رابطه معنی‌دار و معکوس ولی بین سرمایه اقتصادی و کیفیت غذایی رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود دارد. این نتایج نشان داد که ناامنی نسبت به کالاهای اساسی شهروندان بر حسب مقطع تحصیلی و نوع شغل افراد متفاوت است. همچنین نتایج رگرسیونی تحقیق نشان داد که سرمایه اقتصادی و حمایت اجتماعی در کل 25 درصد از ناامنی نسبت به کالاهای اساسی شهروندان را تبیین می‌کنند.

- کوهی (1393)، در پژوهشی با عنوان "ناامنی نسبت به کالاهای اساسی و سرمایه اجتماعی" انجام داده است. روش تحقیق به روش پیمایشی بوده و که از 378329 نفر، تعداد 426 خانوار بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و ابزار گردآوری آن پرسشنامه محقق ساخته است. یافته‌های پژوهش نشان

می‌دهد که میزان ناامنی خانوار در سطح پایین بوده و بین اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی با ناامنی نسبت به کالاهای اساسی همبستگی منفی و معکوسی دارد؛ و در نهایت در مدل 19 درصد از تغییرات ناامنی نسبت به کالاهای اساسی را تبیین می‌کند.

- عزیززاده اقدام (1389)، در پژوهشی با عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی سبک غذایی شهروندان تبریزی" انجام داده، نشان می‌دهند که رفتار سالم تغذیه بین جامعه در اصول غذایی، دارای دو بعد سالم و ناسالم است. در معیارهای سبک غذایی، تاهل، جنسیت، ساختار طبقه، سن، شرایط بدنی، سرمایه سه گانه (فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) تاثیر می‌گذارند.

شرفخانی و همکاران (1388)، در پژوهشی با عنوان "شیوع و عوامل مؤثر ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، در شهرستان خوی"، انجام داده‌اند، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت مسکن، وضعیت خودرو، وضعیت والدین (تک والدین یا دو والد بدن) و وضعیت درآمد خانوار از عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوار است.

نقد پیشینه تجربی پژوهش و تمایز پژوهش فعلی

در ایران درباره امنیت غذایی یا احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی به‌عنوان یک مسئله مهم و حیاتی، از بعد جامعه‌شناسی پژوهش منسجم و دقیقی صورت نگرفته است. تنها پژوهش‌های جامعه‌شناختی هزارجریبی و عزیززاده (1391) کوهی (1393) به مبحث امنیت غذایی از رویکرد جامعه‌شناختی پرداخته‌اند. در کنار این پژوهش، تحقیق فعلی قصد دارد با روش پیمایش ضمن استفاده از نظریه‌های مرتبط با ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، از مغیرهای جامع و کلان برای سنجش ناامنی نسبت به کالاهای اساسی شهروندان استفاده کند و همچنین اجرای این پژوهش در مقطع زمانی انجام می‌پذیرد که شهروندان درگیر این مسئله بوده و آن را درک و تجربه کرده‌اند.

نظریه آنومی اجتماعی و فروپاشی اخلاقی اجتماع

جامعه قبل از هر امری، ساختی اخلاقی دارد. بقاء و ماندگاری اجتماعی، با انگاره‌های اخلاقی پایداری خود را حفظ می‌کند. هیچ جامعه‌ای نیست که در آن آنومی خود را نمایان نکند و آن زمانی است که بحران‌های اخلاقی رواج یابد و نقطه پیونددهنده و اتصالگر موجود نباشد. دورکیم در تعریف آنومی، آن را نوعی عدم التزام به قواعد اخلاقی می‌داند (مسترویچ، 1988: 84). فردگرایی و کاهش نوع دوستی، نشان از کم‌رنگ شدن آرمان‌های اخلاقی در جامعه است. فروپاشی قواعد اخلاقی، همان کم‌رنگ شدن انسجام عقیدتی و ارزشی در جامعه است. آنومی از نبود قواعد اخلاقی مقتدر برمی‌خیزد (اورو، 1988). این عدم التزام ناشی از کم‌رنگ شدن یا واضح نبودن این قواعد در جامعه است. منشأ اصلی این قواعد اخلاقی در دو عامل مهم سنت (مذهب) و عرف (قوانین عرفی) نهفته است (پارک و برگس، 1921). دورکیم، مشکل جامعه جدید را خصلتی اخلاقی می‌داند. به نظر او، اولویت دادن به منافع گروهی، هر چه باشد، همیشه خصلتی اخلاقی دارد، چون لازمه آن، روحیه ایثار و از خودگذشتگی است. تمدن جدید و جامعه‌ای که از همبستگی مکانیکی گذر کرده، خوشبختی را کاهش داده است. در اندیشه دورکیمی، اگر نتوان فرد را در اجبار اجتماعی قرارداد و با اجتماع همراه کرد، رفتارهای منفی در مناسبات اجتماعی فراگیر خواهد شد، چون منافع فردی بر منافع جمعی تفوق می‌یابد. جامعه با آسیب و انحراف روبرو می‌شود و این آسیب‌ها و انحرافات، با گرایش‌های فردگرایانه^۳ یا گرایش‌های خودگرایانه^۴ نمود پیدا می‌کند. اخلاق فردی در پرتو اخلاق جمعی و اجتماعی، معنی پیدا

3. Individualistic

4. Egoistic

می‌کند. دورکیم بی‌هنجاری را به معنای فقدان وفاق و اجماع⁵ نسبت به سه مؤلفه اصلی؛ اهداف اجتماعی⁶، انتظار جمعی⁷ و الگوهای رفتار⁸ می‌داند. مرتون با بهره‌گیری از نظریه دورکیم، چگونگی سازگاری فرد با نظام اجتماعی و فرهنگی را در قالب گزاره‌های زیر، موردبررسی قرار می‌دهد:

1- میزان تأثیرپذیری از هدف و هنجارهایی که رفتارها را در جهت هدف تنظیم می‌کنند.

2- میزان پذیرش هدف و هنجارها به‌عنوان دستورات اخلاقی و ارزش‌های درونی شده.

3- میزان نسبی توانایی دستیابی به هدف؛ شانس‌های زندگی در ساختار امکانات.

4- میزان تضاد یا تفاوت بین هدف پذیرفته‌شده و توانایی دستیابی به آن (غفاری، 1390).

به نظر پارسونز کار ویژه و اصلی جامعه محدود ساختن امیال بی‌حد و حصر انسان و وضع قواعد و مقرراتی برای این امیال است. به نظر پارسونز بهترین شیوه برای درک کل واقعیت اجتماعی، این است که آن را به‌عنوان نظام درک کنیم. جامعه نیز همچون نظام‌های مکانیکی یا ارگانیکی مجموعه‌ای از اجزاست که بین آن‌ها روابط متقابل وجود دارد، چنین مجموعه‌ای صرفاً بر زور و قدرت متکی نیست؛ بلکه بر مکانیسم‌های همبستگی پیچیده‌ی مبانی اخلاقی استوار است. جامعه محدودیت‌هایی وضع می‌کند تا همبستگی اجتماعی حفظ شود. البته تصور جامعه به‌عنوان یک مجموعه و سیستم به این معنی نیست که در آن کشمکش و منازعه پدید نمی‌آید، کمبود و نادر بودن منابع موجب رقابت می‌گردد و از این رقابت، منازعه و کشمکش بین افراد و گروه برمی‌خیزد؛ بنابراین توزیع منابع یکی از مهم‌ترین مسائل نظام اجتماعی است. از این رو ضرورت کنترل اجتماعی پیش می‌آید (والاس، 1986: 17). زتومکا، با نگرش، فرهنگ-گرا، جامعه را ساخته از یک اجتماع اخلاقی در نظر گرفته و آن را صرفاً سازمانی غیر رسمی می‌داند. این سازمان، مملو از ما، گروه و اجتماع سنتی است که با سرمایه اجتماعی، اخلاق، اعتماد، وفاداری و مشاع جمعی سروکار دارد (زتومکا، 1999: 5). اصول اخلاقی در این اجتماع، چون امانت، فرهنگ صداقت، حس خوب، وفاداری، تعیین‌کننده شاکله یک جمع هستند و از شیوع ارزشهای منفی فرساینده سرمایه جمعی جلوگیری می‌کند (غفاری، 1390: 63). هرچه اخلاق جمعی کاهش یابد، به همان میزان فردگرایی منفی جایگزین آن می‌شود، پیوند اجتماعی از بین می‌رود و همچنین جامعه در بحران گرفتار می‌شود (افروغ، 1378: 140؛ چلپی، 1389: 22).

نظریه کمیابی منابع

ولع دست‌یابی به مواد خام و ارزشمند بسیاری از جوامع را به جنگ می‌کشاند (دیلینی، 1390: 305). کمیابی منابع عامل غارت و تضاد اجتماعی بین گروه‌ها بوده است (بهروان، 1390: 57). رقابت به‌عنوان یک فرایند اجتماعی و شکلی از تعامل اجتماعی در جامعه دارای کارکردهای خاصی است. رقابت یکی از راه‌های تخصیص کالاهای محدود و کمیاب جامعه است. وظیفه آن شکل دادن به نگرش‌های افراد رقیب به طریقی خاصی را به عهده دارد. هنگامی که افراد با رقابت می‌کنند، گرایش‌های غیردوستانه در میان آن‌ها شکل می‌گیرد. عواملی از قبیل تفاوت‌های زبان میان پیش‌زمینه‌های فرهنگی، پیش‌داوری و عقاید قالبی و تفاوت جسمی و ظاهری مانع همسازی یا اتحاد بین گروه‌ها می‌شود (چیتامبار، 1389: 100). کشمکش و رقابت ناشی از مبارزه کنشگران بر سر چیزی ارزشمند است، درجایی مبارزه هست، بعضی کنشگران برنده و برخی بازنده می‌شوند و یا در بیشتر موارد بیشتر از دیگران سهم می‌برند. ریشه تضاد و ستیزه هنگامی در کمیابی بوده که زمینه‌ساز همبستگی هست. هر کس نمی‌تواند، آنچه را که

5.Consensus

6.Social goals

7.Expectation collective

8.Patterns of behavior

می‌خواهد به دست آورد، زیرا چیزهایی را جست‌وجو می‌کند که به اندازه کافی وجود ندارند. تضاد هنگامی رخ می‌دهد که بعضی از افراد آنچه را در جامعه ارزشمند است به انحصار خود درمی‌آورند و در نتیجه دیگران را از آنچه محروم می‌سازند. در هر صورت نتیجه کمیابی یا توزیع نابرابر است، چون برخی دارایی‌های خود را افزایش می‌دهند و دیگران نمی‌توانند. البته پیروزی در ستیزه را باید با مفهوم قدرت تفسیر و درک کرد. کسانی که برنده می‌شوند بیشتر از مخالفانشان قدرت دارند و می‌توانند درکنش متقابل برنده شوند. این ممکن است بر پایه قدرت شخصی مثل هوش، نیرو، جذابیت، اسلحه، ثروت ارزیابی شود (شارون، 1388: 109). افراد برای دستیابی به ارزش‌های مطلوب و موردنظر خود تلاش می‌کنند. گاهی در جوامع انسانی این تلاش‌ها به صورت رقابت ظاهر می‌شود. رقابت جوامع برای دستیابی به ارزش‌های اجتماعی باید بر موازین و اصولی استوار باشد تا محیطی مساعد برای تأمین نیازها و خواسته‌های افراد فراهم آید. در غیر این صورت رقابت به ناسازگاری و ستیزه‌جویی می‌انجامد که خود تضعیف‌گره و درنهایت نابسامانی جامعه را به همراه دارد (سیف‌الهی، 1392: 175).

نظریه حافظه تاریخی-جمعی

حافظه از جمله مفاهیمی است که اجماع و اتفاق‌نظری راجع به آن وجود ندارد. البته اکثر مفاهیم علوم اجتماعی و علوم انسانی به‌گونه‌ای هستند که کمتر می‌توان درباره آن‌ها به اجماع کامل رسید. «امروزه مفاهیم متعددی در حوزه حافظه رواج دارد. مفاهیم حافظه عمومی، حافظه مشترک، حافظه جمعی، حافظه فرهنگی، حافظه عوامانه، حافظه محلی، حافظه مردمی برای مفهوم حافظه، حافظه تاریخی به‌کاربرده شده است» (فاضلی، 1392). حافظه جمعی⁹ به‌مثابه یک فعالیت و فرایند اجتماعی است که در آن به خاطر آوردن رخدادهایی در سطح جامعه فراتر از فرد، به‌وسیله و برای جمعی مشخص صورت می‌گیرد (جانعلیزاده و همکاران، 1396: 36). معروف‌ترین اثر موریس هالبواکس در موضوع حافظه جمعی کتاب چارچوب‌های اجتماعی حافظه¹⁰ است که به بیان این چارچوب‌ها و اینکه چطور آن‌ها حافظه را متعین می‌کنند، می‌پردازد. وی معتقد است این ما نیستیم که تصمیم می‌گیریم چه چیزی را به خاطر بسپاریم یا فراموش کنیم، بلکه این جامعه، فرهنگ و تاریخ است که آن را به ما تحمیل می‌کند. در جامعه عواملی مثل مذهب، خانواده، طبقه و ... در گزینش امر حافظه تأثیرگذار است. قطعاً این افراد هستند که به یاد می‌آورند و نه گروه‌ها و سازمان‌ها، اما این افراد در زمینه خاصی قرار دارند که آن زمینه به «یادآوری آن‌ها» و یا «بازسازی گذشته توسط آن‌ها» سمت‌وسو و شکل می‌دهد (فاضلی، 1392). وی این نظریه خود را در راستای کارهای دورکیم می‌داند و عقیده دارد، حافظه جمعی حفظ اتصال جامعه است. داستان قهرمانان، رویدادهای حماسی و اصل و منشأ گروه‌ها، منبع همبستگی عاطفی و ذهنی مردم است و حافظه جمعی پیوسته در حال نو شدن و تغییر شکل است و این فرایند با گذر هر نسل، شکل تازه به خود می‌گیرد. وی، دین را شکلی از حافظه جمعی می‌داند که به شکل‌های مختلف بازتولید می‌شوند. درک وی از تقابل‌های میان تاریخ، دین، سیاست و اسطوره، با وجود حذف گرایش‌های کارکردگرایانه، تأثیری فزاینده بر نظریه فرهنگی در دهه‌های اخیر داشته است (اسمیت، 1383: 100). هالبواکس بین حافظه جمعی و تاریخ تمایز ایجاد می‌کند. تاریخ و حافظه جمعی هر دو، واقعیت اجتماعی در دسترس عمومند، با این تفاوت که تاریخ، مرده و حافظه جمعی زنده است. تاریخ، گذشته محفوظی است که ما با آن ارتباط ارگانیک نداریم. درحالی‌که حافظه جمعی گذشته فعالی است که به هویت ما شکل می‌دهد (فرزید و همکاران، 1397: 8). هالبواکس می‌گوید که ما برای به یاد آوردن به دیگران احتیاج داریم. گذشته کاملاً در حافظه فردی نگهداری نمی‌شود. تنها حالتی، تیکه‌ای یا تصویری از آن در ذهن می‌ماند که نمی‌تواند تمامی حافظه را تشکیل بدهد. این بازنمایی‌های جمعی هستند که خاطره واقعی

⁹. Collective memory

¹⁰ the Social frameworks of memory

را شکل می‌دهند. حافظه فردی تنها در چارچوب‌های اجتماعی است که وجود می‌یابد. حافظه جمعی در تغییر است؛ چیزی از گذشته را نگه می‌دارد که از آن ردپایی در زندگی جمعی و روانشناسی امروزی گروه حامل آن حافظه باقی مانده باشد. از حافظه جمعی صحبت می‌کنیم وقتی واقعه‌ای جایی در زندگی جمعی گروه داشته باشد. زمانی هم که آن را به یاد می‌آوریم، همچنان از زاویه دید گروهی آن را باز می‌یابیم. در رده اول حافظه یک گروه، اتفاقات یا تجربیاتی ثبت می‌شوند که تعداد بسیاری از اعضای گروه را درگیر کرده باشند؛ اما خاطراتی هم به یاد آورده می‌شوند که تعداد اعضای کمتری از گروه یا حتی یک نفر در آن‌ها حضور دارند، چراکه به رخدادهایی برمی‌گردند که در افق دید حافظه گروه اتفاق افتاده‌اند، هرچند در پس‌زمینه بمانند. هالبواکس پس از توضیح تفاوت بین حافظه جمعی و حافظه فردی، بین حافظه جمعی و حافظه تاریخی هم تفاوت قائل می‌شود. به نظر می‌آید که در تاریخ با گذار از یک دوره به دوره بعد همه چیز نو می‌شود. تاریخ به گسست‌ها توجه می‌کند، درحالی‌که در حافظه جمعی، برخلاف تاریخ، خط جداکننده‌ای وجود ندارد. هالبواکس تاریخ را به قبرستانی تشبیه می‌کند که فضایش اندازه گرفته شده باشد. تاریخ جایی است که در هر لحظه باید دنبال مکانی برای قبری تازه باشیم. حافظه ما بخشی از تاریخ است. تاریخ به شکل خلاصه و طرح‌واره گذشته را نشان می‌دهد، درحالی‌که حافظه زیسته ما، تابلویی ادامه‌دار و بسیار متراکم است. درحالی‌که وقایع تاریخی زمان را تقسیم‌بندی می‌کنند و در تقویم ردپایی از خود به جای می‌گذارند، زندگی ما در یک جریان مداوم ادامه پیدا می‌کند. زندگی ما بر سطح پیکره اجتماعی قرار می‌گیرد و از لرزه‌ها و پس‌لرزه‌های آن تأثیر می‌پذیرد. حافظه جمعی حداقل در دو حالت مشخص از تاریخ خود را متمایز می‌کند. حافظه جمعی اولاً یک جریان تفکر ادامه‌دار است که هیچ چیزش مصنوعی یا ساخته شده نیست. حافظه جمعی آن چیزی از گذشته را زنده نگه می‌دارد که هنوز زنده است یا حداقل توانایی زنده‌بودن را در آگاهی جمعی گروه دارد و از مرزهای گروه فراتر نمی‌رود. تاریخ در کلیتش می‌تواند خودش را به‌عنوان حافظه جهانی بشریت به نمایش بگذارد درحالی‌که اصلاً حافظه جهانی وجود خارجی ندارد. هر حافظه جمعی به یک گروه مخصوص مربوط می‌شود که مرزهایش در زمان و مکان مشخصی محدود شده است. تاریخ در واقع راه میانبر کوتاهی است برای دسترسی به تصویری یگانه و کامل از گذشته. در تاریخ انگار سیر حوادث به گونه‌ای مُقطع نشان داده می‌شود و بین دو واقعه خلأیی وجود دارد انگار در آن هیچ اتفاقی نیفتاده است. تاریخ به گروه‌ها از بیرون می‌نگرد، درحالی‌که در حافظه جمعی نگاه گروه نگاه به خودش است، یعنی درونی است.

2. روش‌شناسی تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

با استناد به دیدگاه‌های نظری و مطالعات تجربی، فرضیه‌های پژوهش در جدول شماره 1 ارائه شده‌اند.

جدول شماره 1: فرضیه‌های پژوهش

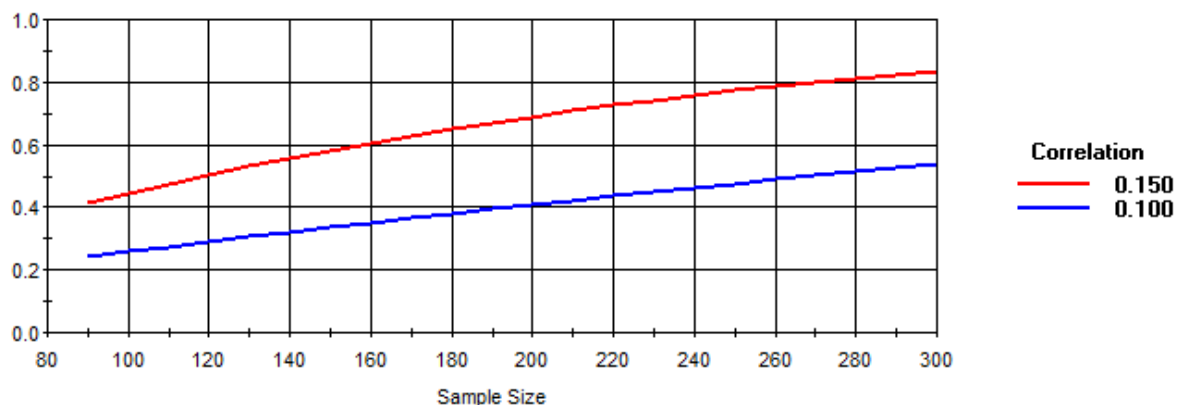
ردیف	فرضیه اصلی
1	بین احساس فضای کسب و کار نامساعد و احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
2	بین حافظه جمعی تاریخی و احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
3	بین آنومی اخلاقی و احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

4	بین اعتمادی اجتماعی و احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی داری وجود دارد.
5	بین فرصت طلبی و احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی داری وجود دارد.
6	بین بی تفاوتی اجتماعی و احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی داری وجود دارد.
7	بین بازدارندگی رسمی و احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی داری وجود دارد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش^{۱۱} هست. در این پژوهش ابزار اندازه گیری متغیرها و گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است که در آن مجموعه‌ای از گویه‌ها به شکل طیف لیکرت^{۱۲} به پاسخگویان ارائه شد. برای تعیین حجم نمونه از **sample power** استفاده شده که برابر در سطح آلفای 5 صدم، مقدار 0.15 ضریب همبستگی، با 9 متغیر اصلی پژوهش در توان 80 درصد برابر با 270 تعیین شده است.

**Power as a Function of Sample Size and Correlation
(Alpha = 0.050)**



شکل شماره 2: حجم نمونه

جدول جدول شماره 2: ضرایب پایایی پژوهش

شاخص	پایایی	پایایی ترکیبی
فضای نامساعد کسب و کار	0.801	0.824
حافظه جمعی تاریخی	0.838	0.902
آنومی اخلاقی	0.863	0.881
فرصت طلبی	0.814	0.862
اعتماد اجتماعی	0.874	0.926
بی تفاوتی اجتماعی	0.800	0.851

1. Survey
1. Likert scale 2. Population

0.883	0.808	بازدارندگی رسمی
0.830	0.816	نامنی نسبت به کالاهای اساسی

3. یافته‌های پژوهش

الف. توصیفی

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مرد 97 نفر (35.3)، زن 178 نفر (64.7)، مجرد 105 نفر (38.2) متأهل 170 نفر (61.8)، شاغل 128 نفر (46.5)، بیکار 72 نفر (26.2) محصل 75 نفر (27.3) بوده است. حداقل سن پاسخگویان (15)، حداکثر (57)، انحراف معیار (9.9) و میانگین سنی (30.44) بوده است. درآمد زیر دو میلیون تومان 86 نفر (31.3)، دو تا سه میلیون تومان 54 نفر (19.6)، سه تا چهار میلیون تومان 17 نفر (6.2)، چهار تا پنج میلیون تومان 9 نفر (3.3)، بالای پنج میلیون 11 تومان (4) و محل تولد 93 نفر (33.8) روستا، 182 نفر (66.2) شهر، وضع تملک، 38 نفر (13.8) ملکی، 207 نفر (75.3) استیجاری/رهن، 30 نفر (10.9) خانه پداری بوده است. به لحاظ طبقه اقتصادی 63 نفر (22.9) خیلی پایین، 58 نفر (21.1) پایین، 38 نفر (13.8) متوسط پایین، 95 نفر (34.5) متوسط بالا، 14 نفر (5.1) بالا و 7 نفر (2.5) خیلی بالا است. تحصیلات 7 نفر (2.5) بی‌سواد/ابتدایی، 118 نفر (42.9) راهنمایی، 113 نفر (41.1) دیپلم، 27 نفر (9.8) فوق‌دیپلم، 6 نفر (2.2) لیسانس و 4 نفر (1.5) فوق‌لیسانس و بالاتر است. قومیت 80 نفر (29.1) ترک، 128 نفر (46.5) فارس، 29 نفر (10.5) عرب و 38 نفر (13.8) سایر است.

- توزیع پراکندگی کلی متغیرهای پژوهش

خلاصه از وضعیت پراکندگی متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش در جدول شماره ارائه شده است.

جدول شماره 3: توزیع پراکندگی شاخص اصلی پژوهش مستقل و وابسته

متغیر	میانگی ن	انحراف معیار	طبقات		
			بالا	متوسط	پایین
			درصد	درصد	درصد
نامنی نسبت به کالاهای اساسی	18.48	3.57	5.8	65.5	28.7
آنومی اخلاقی	21.53	4.75	55.6	36	8.4
بازدارندگی	14.06	2.84	66.2	10.2	23.6
اعتماد اجتماعی	24.12	3.60	24.7	60.4	14.9
بی‌تفاوتی اجتماعی	33.32	5.20	12.7	52.7	34.5
فضای کسب و کار نامساعد	15.80	2.76	32.4	46.2	21.5
فرصت‌طلبی	25.72	3.52	12.4	63.3	24.4
حافظه تاریخی	15.17	2.92	19.3	71.3	9.5

جدول شماره 3 توزیع پراکندگی متغیرهای سازه‌ای پژوهش را نشان می‌دهد که میانگین کلی شاخص نامنی نسبت به کالاهای اساسی (18.48)، آنومی اخلاقی (21.53)، بازدارندگی (14.06)، اعتماد اجتماعی (24.12)، بی‌تفاوتی اجتماعی (33.32)، فضای کسب و کار نامساعد (15.80)، فرصت‌طلبی (25.72) و حافظه تاریخی

(15.17) است.

ب. استنباطی

- ضریب همبستگی پژوهش

جدول شماره 4: نتایج ضریب همبستگی حاصل از آزمون پیرسون

نتیجه	معنای دوطرفه	مقدار پیرسون	متغیر وابسته	متغیر مستقل
قبول	0.000	0.259	احساس ناامنی نسبت به کالای اساسی	آنومی اخلاقی
قبول	0.016	-0.145		بازدارندگی رسمی
قبول	0.000	-0.581		اعتماد اجتماعی
رد	0.414	0.049		بی تفاوتی اجتماعی
قبول	0.003	-0.341		فضای کسب و کار نامساعد
قبول	0.009	0.158		فرصت طلبی
قبول	0.000	-0.493		حافظه جمعی تاریخی

نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که:

- بین متغیر آنومی اخلاقی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی داری 0.000 برابر با 0.259 است. به طور کلی، هرچه میزان آنومی اخلاقی در جامعه بیشتر باشد، به همان میزان احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی در جامعه بیشتر است. جامعه هنگامی که با بحران اخلاقی مواجهه شود، به این معنی که هنجارها، ارزش های اخلاقی، فرهنگ راست گویی، فضیلت، انصاف و عدل دچار اختلال شود، در مسیری قرار می گیرد که امر اقناع کننده، توجیه کننده جهت کنترل رفتاری افراد وجود نخواهد داشت، در شرایط بحرانی و بی ثباتی، به دلیل حس رواج بی اخلاقی در سطح جامعه و شیوع احساس آنومی اخلاقی، هم توزیع کننده کالاهای اساسی دست به رفتارهای سودجویانه و مخالف با منافع جمعی زده و هم شهروندان با مشاهده این وضع اجتماعی، از اینکه با اطمینان و آرامش به نیازهای غذایی و اساسی خود دسترسی پیدا کنند، دچار ناامنی و اضطراب خواهند شد. به این دلیل، بی اخلاقی و آنومی اخلاقی در اجتماع، باعث رواج ناامنی غذایی در سطح کلان، میانه و خرد خواهد شد.

- بین متغیر بازدارندگی رسمی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی داری 0.016 برابر با -0.145 است. کاهش سطح بازدارندگی (قضایی و انتظامی) و ایجاد باور عمومی رهاشدگی جامعه، آرزوهای نامحدود و سیر نشدنی را در افراد در جستجوی درآمدهای مالی و منافع شخصی ایجاد کرده و باعث می شود که در مسیر احتکار گام برداشته و رواج این عمل، باعث هراس و اضطراب شهروندان نسبت به بحرانی بودن آینده از حیث کمیابی کالا، فقدان مواد اساسی اولیه و مایحتاج زندگی خواهد شد. هرچه میزان بازدارندگی رسمی در جامعه بیشتر باشد، به همان میزان احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی در جامعه بیشتر است. وجود نهادهای بازدارنده و قاطع در مسائل اجتماعی مرتبط با شهروندان، از کنش های سودجویانه و ضد اجتماع ممانعت می کند، در صورتی که توزیع کنندگان و مصرف کنندگان احساس کنند، نوعی بی توجهی در این بخش وجود دارد، احتمال عدول از هنجارهای اجتماعی در وضعیت خاص، افزایش می یابد.

- بین متغیر اعتماد اجتماعی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی داری 0.000 برابر با -0.581 است. نخستین شرط، ثبات در جامعه، اعتماد است، در شرایط

بحرانی و کمبود جامعه با کالاهای اساسی، در صورتی که اعتمادی بین شهروندان و نهادهای دولتی، اجرایی و سیاسی که درصدد اطمینان بخشی به جامعه هستند، وجود نداشته باشد، ناامنی ذهنی نسبت به دستیابی به نیازهای غذایی زندگی روزمره در آنها افزایش یافته و کنش‌های روزمره خانواده را از تعادل خارج می‌کند. بر این اساس، اعتماد سیاسی، حافظ اساسی پیوند مردم و حاکمیت بوده و باعث می‌شود که توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان کالاهای اساسی به دلیل وجود همبستگی سیاسی و دفاع از کیان سیاسی نظام در سطح جهانی و ممانعت از رواج بی‌ثباتی، دست به احتکار کالا نمی‌زنند و این امر امنیت ذهنی را در شهروندان نسبت به دسترسی آسان و به‌موقع به مواد غذایی افزایش می‌دهد.

- بین متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.414 برابر با 0.049 است. نبود حس همدردی، نوع‌دوستی و احساس مشترک نسبت به شرایط طبقات مختلف جامعه از جمله اقشار پایین جامعه؛ باعث می‌شود که عمده گروه‌های اجتماعی درباره تحولات اقتصادی و اجتماعی دچار ابهام و هراس شده و به دلیل تصور و پنداشت شکاف بین طبقات اقتصادی - اجتماعی در همدردی و همیاری اجتماعی، بسترهای ناامنی نسبت به کالاهای اساسی در شهروندان افزایش می‌یابد.

- بین متغیر فضای کسب و کار نامساعد و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.003 برابر با 0.341- است. شغل خوب، مطمئن، با ثبات و پایدار، در هر شرایطی (شرایط بحرانی و غیر بحرانی)، امنیت بخش زندگی جمعی است. نداشتن یک‌چشم انداز مالی ثابت و اثبات با هر سطحی از درآمد، احتمال نگرانی غذایی و مشکل در دستیابی به آن در وضعیت حاد را افزایش می‌دهد. امید در برابر سرخوردگی و استیصال است. منبع این ناامیدی در جامعه، مسائل معیشت و فشار به دهک‌های پایین است. بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و سرخوردگی افراد جامعه و بی‌اعتمادی و ناامیدی از شرایط اقتصادی، زمینه این نگرش را در شهروندان ایجاد نموده است. اضطراب از رویارویی با آینده اقتصادی جامعه، به دلیل افزایش گرانی و عدم کنترل موفق قیمت اجناس و کالاهای مصرفی شهروندان در نهادی شدن این ناامیدی و ناامنی غذایی مؤثر بوده است که به‌طور متقابل تأثیر منفی بر روند اقتصادی و رفتار اقتصادی شهروندان گذاشته است. پدیداری ناامنی غذایی در مردم ناشی از وجود تورم، بیکاری زیاد، فساد اداری و بی‌ثباتی و فقدان امنیت اقتصادی است. ترس از آینده نامطمئن و شرایط ناایمن یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌ها و جامعه ایرانی است.

- بین متغیر فرصت‌طلبی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.009 برابر با 0.158 است. به‌طور کلی، هرچه میزان فرصت‌طلبی در جامعه بیشتر باشد، به همان میزان احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی در جامعه بیشتر است.

- بین متغیر حافظه جمعی - تاریخی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.000 برابر با 0.493- است. کنش‌های روزمره و رفتارهای اجتماعی مردم، ریشه تاریخی دارد. کنش اجتماعی بشر امری معنادار و متناسب با ارزیابی عقلانی صورت می‌گیرد. بازخوانی وقایع تاریخی و حوادث مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند در پیش‌بینی افراد جامعه نسبت به آینده مؤثر باشد. در این باره، در صورت کسب تجربه منفی نسبت به بحران‌های توزیع کالا و تأمین، احساس ناامنی شهروندان درباره مسائل غذایی افزایش می‌دهد.

ضرایب مسیر معنادار در مدل اصلی پژوهش

در جدول شماره 5 ضرایب مسیر معنادار در مدل اصلی پژوهش ارائه شده است.

جدول شماره ۵: ضرایب مسیر معنادار در مدل اصلی پژوهش

سطح متغیر	ضریب مسیر	میانگین	مقدار تی	انحراف معیار	سطح معنی داری
آنومی اخلاقی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی	0.168	0.132	6.910	0.039	0.000
بازدارندگی رسمی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی	0.291	0.385	8.753	0.049	0.000
بی تفاوتی اجتماعی -> فرصت طلبی	-0.198	-0.198	5.987	0.028	0.069
بی تفاوتی اجتماعی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی	0.329	-0.329	4.320	0.037	0.000
اعتماد اجتماعی -> فرصت طلبی	-0.204	-0.217	7.365	0.042	0.080
اعتماد اجتماعی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی	-0.468	0.356	1.613	0.069	0.000
اعتماد اجتماعی -> آنومی اخلاقی	0.149	153.0	2.747	0.046	0.000
فضای کسب و کار نامساعد -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی	0.246	0.142	5.060	0.038	0.000
بازدارندگی رسمی -> فرصت طلبی	0.274	-0.228	3.135	0.077	0.010
بازدارندگی رسمی -> آنومی اخلاقی	-0.153	369.0	4.774	0.028	0.003
حافظه جمعی-تاریخی -> فرصت طلبی	0.254	0.397	9.364	0.068	0.125
فرصت طلبی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی	0.187	0.174	6.222	0.033	0.001
حافظه جمعی-تاریخی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی	0.238	0.258	7.113	0.045	0.000
حافظه جمعی-تاریخی -> بی تفاوتی اجتماعی	0.175	0.212	7.842	0.041	0.000
حافظه جمعی-تاریخی -> فضای کسب و کار نامساعد	0.213	0.118	9.125	0.36	0.056
آنومی اخلاقی -> فرصت طلبی	0.345	0.235	10.295	0.051	0.000
آنومی اخلاقی -> بی تفاوتی اجتماعی	0.120	0.109	11.900	0.066	0.003

نتایج جدول شماره 5 نشان می دهد که آنومی اخلاقی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی (0.168)، بازدارندگی رسمی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی (0.291)، بی تفاوتی اجتماعی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی (0.329)، اعتماد اجتماعی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی (-0.468)، اعتماد اجتماعی -> آنومی اخلاقی

(0.149)، فضای کسب و کار نامساعد -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی (0.246)، بازدارندگی رسمی -> فرصت طلبی (0.274)، بازدارندگی رسمی -> آنومی اخلاقی (-0.153)، فرصت طلبی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی (0.187)، حافظه جمعی-تاریخی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی (0.238)، حافظه جمعی-تاریخی -> بی تفاوتی اجتماعی (0.175)، آنومی اخلاقی -> فرصت طلبی (0.345) و آنومی اخلاقی -> بی تفاوتی اجتماعی (0.120) دارای تأثیر معنی داری در مدل هستند.

اثر کلی مدل ساختاری پژوهش

در جدول شماره 6 اثر مستقیم و غیرمستقیم و کل بر ناامنی نسبت به کالاهای اساسی ارائه شده است.

جدول شماره 6: اثر مستقیم و غیرمستقیم و کل بر ناامنی نسبت به کالاهای اساسی

اثر کل		مقدار اثر	اثر غیرمستقیم	مستقیم	متغیرهای پژوهش
سطح معنی داری	مقدار تی				
0.000	3.372	0.168	-	168.0	آنومی اخلاقی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی
0.001	4.568	0.291	049.0	0.242	بازدارندگی رسمی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی
0.020	7.890	0.329	-	0.329	بی تفاوتی اجتماعی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی
0.000	6.632	-0.468	-0.036	-0.432	اعتماد اجتماعی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی
0.001	5.361	-0.246	0.52-	-0.194	فضای کسب و کار نامساعد -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی
0.000	3.885	0.187	-	0.187	فرصت طلبی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی
0.003	8.624	0.238	-	0.238	حافظه جمعی-تاریخی -> ناامنی نسبت به کالاهای اساسی
R Square adjusted=0.593			R Square =0.613		

بررسی حاصل از جدول شماره 6 نشان می دهد که آنومی اخلاقی (0.168)، بازدارندگی رسمی (0.291)، بی تفاوتی اجتماعی (0.329)، اعتماد اجتماعی (-0.468)، فضای کسب و کار نامساعد (-0.246)، فرصت طلبی (0.187) و حافظه جمعی-تاریخی (0.238) روی ناامنی نسبت به کالاهای اساسی تأثیر داشته است. در مجموع متغیرهای معنی داری در مدل 59 درصد از تغییرات متغیر ناامنی نسبت به کالاهای اساسی را تبیین می کنند و 41 درصد آن را متغیرهایی تبیین می کنند که در مدل پیش بینی نشده اند و خارج از مدل هستند.

4. نتیجه گیری

نیاز یکی از ملزومات مهم ایجاد انگیزه برای تلاش و توسعه در اجتماعات انسانی بود. جوامع از سنخ نظام شکار، کوچ نشینی (بادیه) تا یکجانشینی (کشاورزی)، در مسیر رهایی از ناامنی (غذایی و غیره)، در تکاپو بودند. غارت ها،

کشمکش‌ها و جنگ‌های بین گروهی، درون‌گروهی و قبایل بیشتر با هدف توسعه قلمرو و کسب غنائم اقتصادی صورت می‌گرفت. هدف نهایی نزاع گروهی در کنار سایر مسائل فرهنگی و اجتماعی، عبور از بحران ناامنی نسبت به کالاهای اساسی و اطمینان از مقابله با قحطی و گرسنگی بوده است. گروه‌های اجتماعی، جنگ‌ها را در فرهنگ تعصب، حمیت و پاسخ به وجدان جمعی با هدف غارت، افزایش قلمروهای جغرافیایی و به تعبیری زیاده‌خواهی مادی (اقتصادی، مکانی، غذایی و ثروت)، آغاز کرده‌اند و همین امر باعث دسته‌بندی، ما و آن‌هایی، خودی و غیرخودی، دوست و دشمن را شکل داده است. امنیت غذایی سرآغاز و پایان تمامی این ماجراها بوده است. محیط‌های دارای ثبات اقتصادی، کمتر درگیر نزاع و کشمکش بودند اما مکان‌هایی کویری، کمیاب و نیمه‌خشک، درگیری و نزاع با فراوانی بیشتری روبرو بوده است، نقطه افتراق این مکان‌ها و ارتباط آن با نزاع و جنگ گروهی، در نبود امنیت غذایی (کمیابی منابع) بوده است. به این ترتیب، مسئله تأمین نیاز غذایی به مثابه پایه امنیت جوامع همیشه مهم بوده و بشر یکی از سیاست‌های زندگی خود را حل این مسئله در نظر می‌گرفته است. به زعم مزلو، مسیر رسیدن به شکوفایی، عزت‌نفس، خلاقیت و آرامش عمومی، متکی به پاسخ به نیاز پایه‌ای غریزی (خوراک، پوشاک و مسکن) است. نظریه آبرام مزلو، اهمیت گرسنگی، قحطی و سیری و اشیاع را سطح روابط اجتماعی نمایان می‌سازد. جامعه ایرانی در سال 1397 و 1398 به دلایل مختلف بیرونی و درونی با احساس بحران در نیازهای اساسی نسبت به آینده مواجهه شد، همین امر باعث شد جریان احتکار کالا و فقدان توان نظام بازار در پاسخ به این رفتار شهروندان به دلیل عدم آمادگی روانی به افزایش احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی شهروندان بیانجامد. در این پژوهش سعی شده تا با رویکردی جامعه‌شناختی این مسئله از نگاه شهروندان بررسی قرار گیرد. بر این اساس نتایج نشان داد که:

- بین متغیر آنومی اخلاقی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی آن برابر با 0.259 و ضریب مسیر برابر با 0.168 است. به این معنی عدم رعایت اخلاقیات اجتماعی و گسستن معیارهای اخلاقی همراه با سایر عوامل نقش مهمی در شرایط بحرانی از جمله احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی شهروندان دارد. وقتی اخلاق در جامعه تضعیف شود حالت آنومیک هم‌شدت پیدا می‌کند چراکه نظام اخلاقی به عنوان شیرازه جامعه است؛ تعاون و همکاری متقابل رنگ می‌بازد و جای خود را به فردگرایی افراطی می‌دهد، فردی که حتی حاضر می‌شود از هر وسیله‌ای جهت رسیدن به اهدافش استفاده کند چون در وضعیت آنومیک معیارهایی که هنجار ساز هستند زیر سؤال رفته است و یا از جانب اکثریت رعایت نمی‌شود، در این وضعیت روابط انسانی تبدیل به روابط ابزاری می‌شود. در این شرایط جامعه سیاست‌گریز می‌شود و یا از اولویت‌هایش خارج می‌شود. این نتایج با مطالعات غفاری (1390)، اورو (1988)، پارک و برگس (1921)، والاس (1986) و زتومکا (1999) همسو می‌باشد.

- بین متغیر بازدارندگی رسمی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.016 برابر با 0.145- و ضریب مسیر آن برابر با 0.242 است. شهروندان در شرایط بحرانی وقتی احساس کنند، جامعه توان بازدارندگی، تنبیه و کنترل شرایط موجود را ندارد، بیشتر دچار احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی می‌شوند که با نتایج مطالعات علیزاده اقدم (1389)، والاس (1986)، زتومکا (1999) و شارون ()، همسو هست.

- بین متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.414 برابر با 0.049 و ضریب مسیر آن برابر با 0.329 است. بی‌تفاوت بودن شهروندان نسبت به وقایع جامعه و عدم حساسیت نسبت به آن، در شدت یافتن میزان احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی به دلیل فقدان حس جمع‌گرایی و رواج فردگرایی منفی مؤثر خواهد بود که با نتایج مطالعاتی کوهن (1997)، تریاندیس (2009) و زتومکا (1999)، همسو بوده است.

-بین متغیر اعتماد اجتماعی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.000 برابر با 0.581- و مقدار ضریب مسیر آن در مدل برابر با 0.432- است. احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی در ارتباط با ساختار دولت-ملت ناشی از نداشتن اعتماد به برنامه‌ها، استراتژی، سیاست‌های جاری ساختارهای اجتماعی است و به این خاطر ممکن است با آن هم‌نواپی نشان ندهند که با نتایج مطالعات هزارجریبی و علیزاده (1391)، کوهی (1393)، والاس (1986)، زتومکا (1999)، همسو است.

-بین متغیر فضای کسب و کار نامساعد و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.003 برابر با 0.341- و مقدار ضریب مسیر آن در مدل برابر با 0.194- است. ارتباط منفی بین فضای کسب و کار نامساعد و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی نشان می‌دهد که کاهش درآمد، هزینه‌های روانی مانند اضطراب روانی، از دست دادن هویت و احترام به خود است. تأثیر مخرب احتمال بیکاری در اطمینان افرادی که دارای فرصت‌های شغلی محدود هستند، جدی‌تر، رادیکال‌تر و عمل‌گراتر می‌شوند. به این خاطر عدم فضای کسب و کار نامساعد بسترهای احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی را شدت می‌بخشد که با نتایج مطالعات غفاری و حبیب پور گتایی (1394)، پناهی (1393)، هایز و همکاران (2008) و حسینی نثار و فیوضات (1390)، هزارجریبی و علیزاده (1391)، علیزاده اقدم (1389)، شرفخانی و همکاران (1388)، دیلینی (1390) و سیف الهی (1392)، همسو می‌باشد.

-بین متغیر فرصت‌طلبی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.009 برابر با 0.158 و مقدار اثر آن در مدل برابر با 0.187 است. فرصت‌طلب بودن افراد در شرایط بحرانی، احتکار کردن کالا، تجمع کالاهای موردنیاز و اساسی و نبود روحیه فداکاری و ایثار باعث ترویج احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی می‌شود که با نتایج مطالعات قادری و القونه (1396)، آزاد ارمکی (1393)، ریلو و همکاران (1997)، چیتیمبار (1389)، شارون (1388) و سیف الهی (1392) همسو می‌باشد.

-بین متغیر حافظه جمعی-تاریخی و ناامنی نسبت به کالاهای اساسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری 0.000 برابر با 0.493- و مقدار ضریب مسیر برابر با 0.238 است. داشتن خاطره جمعی از وقایع تاریخی درگذشته و سازوکار مواجهه با مسئله ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، می‌تواند پنداشت شهروندان از مسئله ناامنی نسبت به کالاهای اساسی را در حال حاضر و آینده تحت تأثیر قرار دهد که با نتایج مطالعات دیلینی (1390)، سیف الهی (1392)، فاضلی (1392) و فرزید و همکاران (1397) همسو می‌باشد.

بر این اساس نیاز به خوراک و غذا از انگیزه بنیانی و غریزی انسان‌ها به شمار می‌رود، به‌نحوی که عدم دسترسی به آن حیات انسان‌ها را به خطر انداخته و زمینه را برای بسیاری از آسیب‌های اجتماعی که بر خواسته از یک نوع نیاز غریزی هستند فراهم می‌آورد. ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، عدم دسترسی به غذایی مطلوب و سالم که تأمین‌کننده سلامت و بهداشت افراد است اشاره دارد. احساس عدم امنیت در تأمین نیازهای غذایی، علاوه بر اینکه یک مسئله اقتصادی بوده، بلکه در سطحی بالاتر، ریشه اجتماعی-فرهنگی و گاهی روانی دارد. مطابق نتایج فردگرایی از جمله مسائل اجتماعی-فرهنگی ایرانیان، به‌خوبی می‌تواند بیانگر علت‌های اجتماعی احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی باشد. فردگرایی و گسست از جمع، زمینه را برای بروز آنومی و بی‌هنجاری، بی‌اعتمادی جمعی فراهم می‌آورد و در صورت وقوع بحران در سطح کلان و اورژانسی بودن شرایط، امکان تشدید اوضاع را افزایش می‌دهد. ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، در زمره گذشته مسائل کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه بود اما امروزه به امری جهانی تبدیل شده و مرزهای جغرافیایی را تحت تأثیر قرار داده است و اهمیت یافتن رسانه‌های جمعی و آگاهی یافتن از اوضاع جهانی نیز به این امر دامن می‌زند، اما سوای همه جهانی بودن برخی مسائل، ذهنیت فرهنگی-اجتماعی ملت‌ها

(داخل یک جامعه) نقش مهمی در رفتار غذایی شهروندان دارد. فرهنگ و تجربه‌های تاریخی در کنار حافظه جمعی، هویت تاریخی، انعکاس اتفاقات تاریخی در جامعه، مشاهدات تجربی، عملکرد ضعیف ساختارهای اجتماعی در پاسخ و اقلان باورهای فکری-روانی کنشگران و رواج یافتن فرهنگ فردگرایی و خودخواهی در جامعه، بسترهای ایجاد احساس ناامنی نسبت به کالاهای اساسی را در شهروندان تقویت می‌کند.

پیشنهاد

-تقویت روحیه جمع رایانه و نکوهش فردگرایی خودخواهانه از طریق برنامه‌های آموزشی و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد

-رسیدگی و نظارت‌های مناسب نسبت به احتکار کالا و برخورد جدی با آن

-ایجاد نظام مدیریتی و توزیع مناسب کالاهای اساسی از طریق سمن‌ها، نهادهای عام‌المنفعه به شهروندان در شرایط بحرانی

-کاهش احساس ناامنی برای مشاغل در جامعه و ایجاد اطمینان از ثبات شغلی و حمایت‌های دولتی

-طرح نظام سبد کالاهای اساسی برای طبقات اجتماعی در مواقع الزامی

فهرست منابع و مآخذ

- اسفندیاری، چنگیز و میر عباسی، سید باقر (1394)، بررسی ابعاد حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، شماره 35، ص 158-184
- اسمیت، فیلیپ (1383)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- افروغ، عماد (1378)، خرده‌فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- باقر زاده آذر، فاطمه؛ رنجپور، رضا؛ کریمی تکانلو، زهرا؛ متفکر آزاد، محمد علی و اسد زاده، احمد (1395)، برآورد و مقایسه وضعیت امنیت غذایی و تأثیر متغیرهای اقتصادی بر آن در استان‌های ایران، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال سوم، شماره 4، ص 47-76
- بهروان، حسین (1392)، جامعه‌شناسی روستایی، تهران: جامعه‌شناسان
- پناهی، محمدحسین (1393)، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها، تهران: انتشارات سمت.
- جانعلیزاده، حیدر؛ علیوردی نیا، اکبر و فرزند، محمد مهدی (1396)، جامعه‌شناسی حافظه جمعی: حوزه مطالعاتی پارادایمیک یا ناپارادایمیک؟ فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره 40، ص 38-70
- چلبی، مسعود (1389)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی
- چیتامبار، جی. بی (1389)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی با تأکید بر جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه احمد حجاران و مصطفی ازکیا، تهران: نشر نی
- حججی، الهام؛ زاوشی، رزا؛ نوروزی، مصطفی (1394)، بررسی شیوع ناامنی نسبت به کالاهای اساسی خانوار و ارتباط آن با برخی از عوارض دوران بارداری، مجله دانشگاه علوم پزشکی جانوران، دوره 25، شماره 123، 2-87-98
- حسینی نثار، مجید و فیوضات، ابراهیم (1390)، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، تهران: نشر پژوهش‌ها.
- خوزین، حسن (1398)، امنیت فردی از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره 35، ص 35-62
- زمانی، طوبی؛ محسنی تبریزی، علیرضا و شاه‌محمدی، علیرضا (1399)، تبیین جامعه‌شناختی احساس ناامنی اجتماعی و تأثیر آن بر نابردباری اجتماعی (تهران)، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره 38، ص 363-388
- ستوده، میترا، صفریان، حمد و رضا درستی، احمد (1394)، بررسی وضعیت ناامنی نسبت به کالاهای اساسی خانوار و تأثیر عوامل اقتصادی اجماعی در کودکان کوتاه‌قد دچار اضافه‌وزن شهر زاهدان، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال دهم، شماره 4، ص 53-62
- سلطانی، محمدرضا؛ ازگلی، محمد و آلاشتی، احمدنیا (1395)، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، سال پنجم، شماره 1، ص 145-172
- سیف الهی، سیف‌الله (1392)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: پژوهشکده المیزان
- سیگل، لاری و سنا، جوزف (1384)، بزه‌کاری نوجوانان، ترجمه تاج مزینانی، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- شارون، جوئل (1388)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی
- شرفخانی و همکاران (1388)، شیوع و عوامل مؤثر بر ناامنی نسبت به کالاهای اساسی، در شهرستان خوی، مجله پژوهشی ارومیه، دوره بیست و دوم، شماره دوم، ص 123-128
- علیزاده اقدم، محمدباقر (1389)، تحلیل جامعه‌شناختی سبک غذایی شهروندان تبریزی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره 44، ص 285-318

- غفاری، غلامرضا (1390)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: نشر جامعه‌شناسان
- غفاری، غلامرضا و حبیب‌پورگنابی، کرم (1394)، سیاست اجتماعی: بنیان‌های مفهومی و نظری، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- فاضلی، نعمت‌الله، (1392)، تاریخ فرهنگی ایران مدرن: گفتارهایی در زمینه تحولات گفتمانی ایران امروز از منظر مطالعات فرهنگی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- فرزبد، محمدمهدی، رضایی، احمد و جانعلیزاده، حیدر (1397)، حافظه جمعی و هویت ایرانی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره 73، سال 19، ص 1-18
- قادری، طاهره و القونه، زهرا (1396)، بررسی فردگرایی خودخواهانه و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، فصلنامه علوم اجتماعی، سال 26، شماره 79، ص 1-31
- کوهی، کمال (1393)، ناامنی نسبت به کالاهای اساسی و سرمایه اجتماعی، فصلنامه اخلاق زیستی، سال 4، شماره 11، ص 165-196
- نجفیان‌زاده، محبوبه؛ مبارک‌آبادی، عادل؛ رنجبران، مهدی و رضا نخعی، محمود (1393)، شیوع ناامنی نسبت به کالاهای اساسی در خانوارهای روستایی شهرستان اراک و ارتباط با برخی عوامل اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی، مجله تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال نهم، شماره 4، ص 35-44
- نوبری، علیرضا و اسماعیلی، علی (1398)، مفهوم شناسی امنیت در قرآن و زمینه‌های شکل‌گیری آن با تأکید بر روش معنا پژوهشی ایزوتسو، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره 36، ص 243-270
- هزارجریبی، جعفر و علیزاده، فیروزه (1391)، نقش تعیین‌کننده سرمایه اقتصادی و اجتماعی در ناامنی نسبت به کالاهای اساسی شهروندان مورد مطالعه: شهروندان تبریزی، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دوره 1، شماره 2، ص 195-220

Hayes, A. Gray, M. Edwards, B. (2008), *Social Inclusion: Origins, Concepts and Key Themes*, Australian Institute of Family Studies, Department of the Prime Minister and Cabinet.

Mestrovic, S. G. (1988). *Emile Durkheim and the Reformation of Sociology*. Totowa, NJ: Rowman & Littlefield

Orru, Marco. 1988. *Anomie: History and Meanings*. London: Allen & Unwin.

Park, Robert E. and Burgess, W. (1921). *Introduction to the Science of Sociology*.

Siegel, L. J. (2008). *Criminology: Theories, Patterns and Typologies*, Wadsworth Publishing.